

راز عدم ازدواج حضرت معصومه (سلام الله علیها)

<"xml encoding="UTF-8?">



حضرت معصومه در یک نگاه

حضرت فاطمه معصومه (س) در اول ذیقعه 173 در مدینه منوره چشم به جهان گشود. پدر بزرگوارش حضرت موسی بن جعفر (ع) و مادر گرامی اش نجمه خاتون است. او از کودکی تا جوانی تحت تربیت پدر بزرگوارش و برادر مکرمش حضرت رضا (ع) قرار داشت و در علم و تقوا و پاسخ به پرسش های مراجعان به مقامی رسید که مدال افتخار فداها ابوه از پدر خود دریافت داشت. بعد از ورود حضرت رضا (ع) به مرو آن حضرت نامه ای را به وسیله یکی از غلامان خویش برای خواهرش فرستاد که با رسیدن نامه، بلافاصله فاطمه معصومه (س) آماده سفر گشت. (1) آن حضرت در سال 201 هجری به همراه پنج تن از برادران (فضل، جعفر، هادی، قاسم، زید) و تعدادی از برادرزادگان و کنیزان روانه خراسان شدند. (2)

هنگامی که موکب حضرت معصومه (س) به ساوه رسید، عده ای از دشمنان اهل بیت، به اشاره مأمون عباسی راه را بر آنان بستند و در یک درگیری نابرابر، تمام برادران و بیشتر همراهان او به شهادت رسیدند و حضرت معصومه (س) بر اثر شدت تألمات و بنا بر قولی بر اثر مسمومیت (3) بیمار گشت.

در روز 23 ربیع الاول 201 هجری فاطمه معصومه (س) وارد قم شد و ناچه حضرت در محلی که امروز به نام میدان میر نامیده می شود، زانو به زمین زد و این افتخار نصیب موسی بن خزرج، بزرگ اشعریان، شد تا هفده روز میزبان دختر، خواهر و عمه امام باشد.

آن بانو سرانجام در روز دهم ربیع الثانی 201 هجری از دنیا رحلت کرد و با تجلیل فراوان مردم قم، و به وسیله دو فرد ناشناس، به خاک سپرده شد. (4)

اهمیت ازدواج در اسلام

پیش از ورود به مبحث اصلی این مقاله، باید یاد آور شویم که در اسلام بر امر ازدواج تأکید و سفارش فراوان شده است؛ تا آنجا که در قرآن، این معجزه ماندگار الهی، آیات متعددی در این باره وجود دارد؛ از جمله می فرماید: «وَأَنْكِحُوا الْأَيَامَى مِنْكُمْ وَالصَّالِحِينَ مِنْ عِبَادِكُمْ وَإِمَائِكُمْ إِنَّ يَكُونُوا فُقَرَاءَ يُغْنِيهِمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ» (5)؛ باید مردان بی زن و زنان بی شوهر و کنیزان و بندگان خود را به نکاح درآورید. اگر آنان فقیر باشند، خداوند آنان را از فضل خویش بی نیاز خواهد ساخت؛ زیرا خداوند وسعت دهنده و داناست. خداوند در آیه دیگری می فرماید: و از نشانه های او (خداوند) اینکه همسرانی از جنس خود شما برای شما آفرید، تا در کنار آنها آرامش یابید و در میان شما مودت و رحمت قرار داد. در این نشانه هایی است برای گروهی که تفکر کنند.

در روایات نیز تعبیرات تأمل برانگیزی درباره ازدواج آمده است که به راحتی نمی توان از کنار آن گذاشت. پیامبر اکرم (ص) فرمود: «النَّكَاحُ سُنَّتِي فَمَنْ رَغِبَ عَنْ سُنَّتِي فَلَيْسَ مِنِّي» (6)؛ ازدواج سنت من است؛ هر کس از سنت من رو بگرداند، از من نیست.

زنی به امام باقر (ع) عرض کرد: من زن تارک دنیا هستم. حضرت فرمود: منظورت از ترک دنیا چیست؟ عرض کرد: نمی خواهم هرگز ازدواج کنم. حضرت پرسید: چرا؟ عرض کرد: دنبال کسب فضیلت هستم. حضرت فرمود: از این کار دوری کن. اگر در این کار فضیلتی بود، فاطمه از تو به آن سزاوارتر بود. هیچ کس نیست که در فضیلت بر او سبقت گیرد. (7)

آن حضرت در جای دیگر فرمود: «مَا بُنِيَ فِي الْإِسْلَامِ بِنَاءً أَحَبُّ إِلَى اللَّهِ وَ أَعَزَّ مِنَ التَّزْوِيجِ» (8)؛ هیچ بنای در اسلام محبوب تر و عزیز تر از ازدواج در نزد خداوند نیست.

از طرف دیگر، عزب بودن و مجرد زندگی کردن به شدت نکوهش شده است. پیامبر اکرم (ص) فرمود: «شَرَّارُكُمْ عَزَابُكُمْ، رَكَعَتَانِ مِنْ مُتَاهَلٍّ خَيْرٌ مِنْ سَبْعِينَ رَكْعَةً مِنْ غَيْرِ مُتَاهَلٍّ» (9) بدترین شما، عزب ها (و بی همسران) هستند. دو رکعت نماز فرد متاهل، بهتر است از هفتاد رکعت نماز غیر متاهل.

حال این پرسش رخ می نماید که حضرت معصومه (س) با آن مقام علمی و آگاهی ای که از دستور های اسلام و سنت پیامبر اکرم (ص) داشت، چرا ازدواج نکرد و تشکیل خانواده نداد؟ از طرف دیگر، بر اثر موقعیت علمی و معنوی و زیارتی آن حضرت، بسیاری از دختران امروز آن حضرت را به عنوان اسوه برای خود پذیرفته اند که روشن نشدن راز ازدواج آن حضرت، ممکن است بهانه ای برای فرار از ازدواج باشد. این نکته را هم اضافه کنیم که نه تنها حضرت معصومه (س) ازدواج نکرد، بلکه هیچ یک از دختران موسی بن جعفر ازدواج نکردند.

بررسی نظریات مختلف

احتمالات و نظریات مختلفی برای ازدواج نکردن آن حضرت بیان شده است که به بررسی و صحت و سقم هر یک

1. وصیت موسی بن جعفر (ع)

یکی از احتمالات که در واقع یکی از پاسخ ها به پرسش فوق است، این است که خود حضرت موسی بن جعفر به دخترانش وصیت کرده تا ازدواج نکنند!

ابن واضح یعقوبی طرفدار این نظریه است. سخن او در این باب چنین است: موسی بن جعفر را هیچده پسر و 23 دختر، پسران عبارت بودند از : علی رضا، ابراهیم، عباس، قاسم، اسماعیل، جعفر، هارون، حسن، احمد، محمد، عبیدالله، حمزه، زید، عبدالله، اسحاق، حسین، فضل و سلیمان.

موسی بن جعفر وصیت کرد که دخترانش شوهر نکنند و هیچ کس از آنان شوهر نکرد، مگر ام سلمه که در مصر به ازدواج قاسم بن محمد بن جعفر بن محمد در آمد و در این باره میان قاسم و خویشاوندانش جریان سختی پیش آمد؛ تا آنجا که قاسم قسم خورد که جامه از وی دور نکرده است و جز آنکه عقد موقتی بسته شده برای محرمیت در مسیر رفتن به حج رفتن منظوری نداشته است. (10)

در پاسخ به سخنان یعقوبی اولاً، باید گفت: چنین وصیتی برخلاف سنت رسول الله (ص) و سیره امامان اهل بیت عصمت و طهارت است و هرگز چنین وصیتی از امام معصوم صادر نمی شود.

ثانیاً، متن وصیت حضرت موسی بن جعفر غیر از آن چیزی است که یعقوبی ادعا دارد. برای قضاوت در این زمینه، ابتدا متن وصیت حضرت را مرور می کنیم. ابراهیم بن عبدالله از موسی بن جعفر (ع) نقل کرده که آن حضرت جمعی را مانند اسحاق بن جعفر، ابراهیم بن محمد و جعفر بن صالح و ... را بر وصیت خود شاهد گرفت و

فرمود: «أَشْهَدُ هُمْ أَنَّ هَذِهِ وَصِيَّتِي ... أَوْصَيْتُ بِهَا إِلَى عَلِيِّ ابْنِي ... وَ إِنْ أَرَادَ رَجُلٌ مِنْهُمْ أَنْ يُزَوِّجَ أُخْتَهُ فَلَيْسَ لَهُ أَنْ يُزَوِّجَهَا إِلَّا بِإِذْنِهِ وَ أَمْرِهِ ... وَ لَا يُزَوِّجُ بَنَاتِي أَحَدٌ مِنْ إِخْوَتِهِنَّ وَ مِنْ أُمَّهَاتِهِنَّ وَ لَا سُلْطَانٌ وَ لَا عَمَلٌ لَهُنَّ إِلَّا بِرَأْيِهِ وَ مَشُورَتِهِ ، فَإِنْ فَعَلُوا ذَلِكَ فَقَدْ خَالَفُوا اللَّهَ تَعَالَى وَ رَسُولَهُ (ص) وَ حَادَوْهُ فِي مُلْكِهِ وَ هُوَ أَعْرَفُ بِمَنَالِحِ قَوْمِهِ إِنْ أَرَادَ أَنْ يُزَوِّجَ زَوْجًا، وَ إِنْ أَرَادَ أَنْ يَتَرَكَ تَرَكَ...» (11)؛ شاهد می گیرم آنها را که این وصیت من است که به فرزندم علی

وصیت کرده ام... (از جمله وصیتم این است) اگر مردی از شما خواست خواهرش را شوهر دهد، این حق را ندارد، مگر با اجازه و فرمان او (علی) و نه دختران من (حق دارند) که یکی از خواهران خود را شوهر دهند و یا مادران آنها و نه سلطانی، و نه کاری برای آنها انجام دهد، مگر اینکه با نظر و مشورت او (علی) باشد. اگر بدون اجازه او به چنین کاری اقدام کنند، به راستی با خدا و رسولش مخالفت و در سلطنت او منازعه کرده اند و او (حضرت رضا) به مصالح قومش در امر ازدواج آگاه تر است. اگر خواست به کسی شوهر دهد، شوهر می دهد و اگر خواست رد کند، رد می کند.

در این وصیت نامه، حضرت موسی بن جعفر (ع) با صراحت به فرزندان اعلام می دارد که حجت خدا بعد از او علی بن موسی (ع) است و خواهران باید در هر کاری از جمله مسئله ازدواج از او اطاعت کنند و هر فردی را که

علی بن موسی مناسب دید، آنان با او ازدواج کنند؛ چرا که آن حضرت به مسائل ازدواج آگاه تر و به وضعیت بستگان آشنایان آشناتر است. در اینجا هرگز سخن از ترک ازدواج دختران موسی بن جعفر و خواهران حضرت رضا (ع) نیست؛ سخن در این است که بر ازدواج آنان حضرت رضا (ع) باید نظارت داشته باشد. بنابراین نظریه یعقوبی بی اساسی است و نمی توان بر آن اعتماد کرد و به همین جهت، برخی محققین صریحاً سخن یعقوبی را مجعول و بی اساس دانسته اند. (12)

2. همتا نداشتن

نظریه دوم این است که دختران حضرت موسی بن جعفر مخصوصاً فاطمه معصومه (س) از نظر کمال علمی و معنوی در حد بالایی قرار داشتند و کسی همسنگ و همسر آنها پیدا نمی شد و یکی از اموری که در تزویج دختر مورد توجه قرار می گیرد، هم کفو بودن است. این نظریه نیز نمی تواند قابل تأیید باشد؛ زیرا اولاً سیره ائمه اطهار این نبوده که دختران خود را به جهت پیدا نشدن همسنگ در خانه نگه دارند و مانع ازدواج آنان شوند، بلکه آنان، هم در قول، و هم در عمل خود، مؤمن و مؤمنه رکفو یکدیگر می دانستند. از پیامبر اکرم (ص) نقل شده است که آن حضرت فرمود: هر گاه کسی به خواستگاری دختر شما آمد که دینداری و امانتداری او را می پسندید (هر چند در حد دختر شما نباشد) شوهر دهید و اگر شوهر ندهید، در زمین فتنه و فساد بزرگ بر پا می شود. (13)

ثانیاً، در عصر امام کاظم (ع) جوانان شایسته ای از تبار امام حسن مجتبی (ع) و حضرت سیدالشهدا (ع) و نیز در میان شیعیان افرادی وجود داشتند که می توانستند همسران مناسب برای آنان باشند.

3. اختناق هارونی

احتمال و نظریه سوم آن است که اختناق هارون الرشید و وجود خفقان در آن دوران، چنان شدید بود که حتی کسی جرئت نداشت برای پرسیدن مسائل شرعی به در خانه موسی بن جعفر (ع) مراجعه کند، تا چه رسد به اینکه به عنوان داماد آن حضرت رفت و آمد دائمی با خانواده موسی بن جعفر (ع) داشته باشد؛ چرا که همین ارتباط نسبی زمینه ای را فراهم می ساخت تا هارون به اذیت و آزار او بپردازد. البته با اینکه هارون در مواردی تظاهر به دینداری می کرد، ولی ستمگری بی رحم بود.

یکی از مورّخین می گوید: هارون هنگام شنیدن وعظ از همه بیشتر اشک می ریخت و در هنگام خشم و تندی از همه ظالم تر بود. (14) و همین مرد دو هزار کنیز داشت که سیصد نفر آنان مخصوص آواز خوانی و رقص و خنیاگری بودند. (15)

شیعیان در عصر خلافت هارون در تنگنا و فشار قرار داشتند و کسانی چون علی بن یقطین در تقیه به سر می بردند و کوچک ترین حرکاتشان زیر نظر بود. نمونه بارز آن داستان لباسی است که هارون به علی بن یقطین داد. این لباس ویژه خلفا بود و علی بن یقطین آن را به موسی بن جعفر (ع) اهدا کرد. حضرت آن را قبول نکرد و فرمود: این لباس را نگهدار و از دست مده؛ زیرا در حادثه ای که برای پیش می آید، به کار می آید. چندی بعد یکی از خدمتگزاران علی بن یقطین، نزد هارون شکایت کرد و گفت: لباس مخصوص را به موسی بن جعفر اهدا کرده است. هارون بلافاصله او را احضار کرد و از لباس پرسش کرد. او گفت: آن را در بچه ای نگه داشته ام. هارون دستور دارد تا فوراً آن را بیاورد. وقتی که نگاهش به لباس افتاد، گفت: بعد از این هرگز سخن سعایت کننده ای را درباره تو باور نخواهم کرد. (16)

این گونه قضایا نشان می دهد که ارتباط موسی بن جعفر (ع) کنترل می شد و از طرفی زندانی شدن امام نیز، انگیزه خواستگاری از دختران آن حضرت را کاهش می داد. بعد از شهادت امام وحشت بیشتری بر مردم حاکم شد و حضرت رضا (ع) نیز تحت نظر قرار گرفت. در زمان مأمون آن حضرت به خراسان احضار شد و بعد از یک سال، حضرت معصومه (س) و جمعی از برادران او به خراسان حرکت کردند، اما در راه، حضرت معصومه (س) پیش از دیدن برادر، دار فانی را وداع کرد و امر ازدواج او هم تحقق نیافت. بنابراین راز عدم ازدواج حضرت معصومه و خواهران او را نه در وصیت پدر باید جستجو کرد و نه در نبود همسر متناسب و هم کفو، علت آن، وجود اختناق شدید هارونی و مأمونی بود که باعث شد احدی جرئت نکند به راحتی به خانه موسی بن جعفر و بعد از او فرزندش رفت و آمد داشته باشد و داماد آن خانواده گردد. از طرف دیگر، زندانی شدن حضرت موسی بن جعفر (ع) و سرانجام شهادت او، و احضار شدن حضرت رضا (ع) به خراسان و دورافتادن از خواهران، مزید بر این علت بود.

حسن ختام

سخن را با معرفتی برخی کتب درباره زندگانی کریمه اهل بیت حضرت معصومه (س) به پایان می بریم:

1. احوالات حضرت معصومه، محمد حسین مفلس، مخطوط.
2. انوار المشعشعین، شیخ محمد علی بن حسن کاتوزیان تهرانی، 1327 هجری، 243 صفحه.
3. بارگاه حضرت معصومه، بیژن سعادت، چاپ 1977، فلورانس ایتالیا.
4. بارگاه حضرت معصومه، نشریه شهرداری قم، 73 صفحه.
5. بدر فروزان، عباس فیض، 1364 هجری، قم، 452 صفحه.
6. تاریخ مشاهیر و قبور واقعه در بلدة قم، افضل الملک، 1348 هجری، 72 صفحه.
7. التحفة الفاطمية الموسویه، محمد علی کچوئی قمی، 1320 هجری.
8. تربت پاکان، سید حسین مدرسی طباطبائی، 1355، دو جلد، 1238 صفحه.
9. تعزیه حضرت معصومه، صادق همایونی، مجله کاوه شماره 41 و 42، 1352، مونیخ.
10. چکامه، عباسخان افشار متخلص به پریشان، موجود در کتابخانه آستانه.

11. حیات حضرت معصومه قم، سید حیدر مهدی، 1983، حیدرآباد، 100 صفحه.
12. حیات الست، شیخ مهدی منصوری، م 1406، چاپ 1380 ه، قم.
13. زندگانی حضرت معصومه، محمد شیرین کلام، چاپ قم.
14. فاطمه بنت الامام موسی کاظم، محمد هادی امینی، 1405 ه، قم، 160 صفحه.
15. فاطمه بنت الامام موسی بن جعفر، سید محمد باقر ابطحی، 1409 ه.
16. معصومه قم، سید تقی طباطبائی قمی، 1365، 48 صفحه.
17. ودیعة آل محمد فاطمه معصومه، محمد صادق انصاری، 1414 ه، قم.
18. وسیلة المعصومیة، میرابوطالب مشهور به سید بیوک واعظ تبریزی، 106 صفحه.
19. زندگانی حضرت معصومه و تاریخ قم، سید مهدی صفی، 1390 ه، قم، 132 صفحه.
20. بارگاه حضرت معصومه تجلیگاه فاطمه زهرا3، سید جعفر میر عظیمی، انتشارات مشهور، 229 صفحه.
21. تاریخچه قم و حضرت معصومه، محمد محمدی اشتهااردی، 96 صفحه.
22. حضرت معصومه و شهر قم، محمد حکیمی، 1365 مشهد، 135 صفحه.
23. در حریم حضرت معصومه، علی اکبر مهدی پور، 1415، قم.
24. زندگینامه حضرت معصومه، محمد محمدی اشتهااردی، 1350، 218 صفحه.
25. چهل حدیث قم و حضرت معصومه، محمود شریفی، نشر معروف، 13 صفحه.
26. کریمه اهل بیت، علی اکبر مهدی پور، 1415 ه، 536 صفحه. (17)
27. نگین قم، جواد محدثی، 1380 ش، 80 صفحه.

پی نوشت ها :

- [1] . من لا یحضره الخطیب، ج 4، ص 461، به نقل از بارگاه فاطمه معصومه، سید جعفر عظیمی، ص 30.
- [2] . بارگاه فاطمه معصومه، سید جعفر عظیمی، ص 31؛ کریمه اهل بیت، ص 174.
- [3] . الحیاة السیاسیة للامام رضا، سید جعفر مرتضی عاملی، ص 428.
- [4] . بحارالانوار، ج 48، ص 290؛ تاریخ قم، ص 213.
- [5] . نور / 32.
- [6] . بحارالانوار، دارالکتب الاسلامیة، ج 103، ص 220، حدیث 23؛ منتخب میزان الحکمة، محمدی ری شهری، دارالحدیث، ص 233، حدیث 2774.
- [7] . بحارالانوار، دارالکتب الاسلامیة، ج 103، ص 219، حدیث 13.
- [8] . همان.
- [9] . منتخب میزان الحکمة، ص 233؛ کنز العمال، متقی هندی، روایت 44448.
- [10] . تاریخ یعقوبی، احمد بن ابی یعقوب (ابن واضح)، وزارت فرهنگ و آموزش عالی، ترجمه محمد ابراهیم آیتی، ج 2، ص 421.
- [11] . بحارالانوار، داراحیاء التراث العربی، ج 48، ص 276 - 280؛ عیون الاخبار، ج 1، ص 26؛ عوالم، ج 21، ص 475؛ اصول کافی، ج 1، ص 317.

- [12] . ر. ک : حیاة الامام موسی بن جعفر، قرشی، ج 2، ص 497.
- [13] . منتخب میزان الحکمه، ص 234؛ بحارالانوار، دارالکتب الاسلامیه، ج 103، ص 237، حدیث 25.
- [14] . الاغانی، ابوالفرج اصفهانی، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ج 5، ص 241.
- [15] . تاریخ تمدن اسلام، جرجی زیدان، ترجمه علی جواهر کلام، مؤسسه امیرکبیر، ص 162.
- [16] . الارشاد، شیخ مفید، بصیرتی قم، ص 293؛ شبلنجی ، نورالانوار، ص 150، با اختصار.
- [17] . ر.ک: بارگاه فاطمه معصومه، همان، ص 219-229.